

Archaeological Research on the Location Determination, Development and Destruction of Ziz City, Iran

ARTICLE INFO

Article Type

Original Research

Authors

Sepidnameh H.* MA

How to cite this article

Sepidnameh H. Archaeological Research on the Location Determination, Development and Destruction of Ziz City, Iran. Geographical Researches Quarterly Journal. 2019;34(1):143-153.

ABSTRACT

Aims & Backgrounds Despite the long history of urbanization in Iran, urbanization trend in mountainous areas such as Kohgiluyeh region has not received considerable attention. According to historical sources, Kohgiluyeh region during the Islamic period has witnessed the emergence of the Ziz city in the geographical area between Arjan and Semirom. After several centuries of its formation, in the sixth century AH, it was completely destroyed. The present research aims at determining the location of Ziz, the relative chronology of the city settlement, and the causes of its formation and destruction.

Methodology This is a descriptive-historical research with the approach of historical archeology. Therefore, in this research, location of Ziz and the reasons of development have been analyzed by studying historical and geographical sources and using field studies and archaeological findings.

Findings According to historical and geographical sources of the Islamic period and archaeological studies, Ziz is located on the hillside of Mt. Damah on the historical site of Zizenseh in Zizi village in Boyer-Ahmad city. Archaeological evidence such as pottery and coins, architectural studies, and historical and geographical sources indicate residence in this city and its prosperity from the first to the sixth century AH. The most important reasons for the formation of Ziz can be the rich ecosystem and economic products such as meat and walnut and its location on Arjan communication route to Semirom and Isfahan.

Conclusion It seems that the most important reason for its collapse is the devastating attacks of the Nizari Ismailis in the fifth century.

Keywords Archaeological Survey; Administrative Geography; Kohgiluyeh; Ziz; Zizenseh

*Department of Archaeology, Conservation Faculty, Art University, Isfahan, Iran

*Correspondence

Address: Kohgiluyeh, Dehdasht City, Western Countryside, Mohammadabad Village, Iran. post code 7571144502

Phone: -

Fax: -

h.sapidnameh@au.ac.ir

Article History

Received: September 25, 2018

Accepted: January 12, 2019

ePublished: February 05, 2019

CITATION LINKS

[Alamdari K; 2009] Report of the first chapter on ...; [Azadi A; 2008] Report of the first chapter of ...; [Estakhri & AIE; 2018] Mamalek and Masalek ...; [Gaubeh H; 1998] Arjan and Kohgiluyeh from ...; [Gharachanlou H, et al.; 2011] Historical Geography: Alignment ...; [Ghezelbash E & Parviz A; 2013] Kombus Bonary: An Islamic ...; [Hodgson M; 2001] Ismaili sect, ...; [Hosseini Fasaee H; 2003] Naseri's Farsnameh, Third ...; [Balkhi I; 2007] Farsnameh ...; [Ibn Hauqel; 1966] Sourat al-Arz ...; [Jones M, et al.; 2004] An introduction to political ...; [Karimi B; 1957] Ancient Routes of the Old ...; [Khalidian S, et al.; 2016] The Spatial Pattern of Iranian ...; [Labbafe-Khaniki M; 2010] Historical Archaeology: Principles ...; [Majidi, NM; 2013] History and Geography ...; [Moghaddasi AM; 2006] Ahsan Al-Taghasim Fi Marefat ...; [Mohamadifar Y; 2005] Historical Geography of the ...; [Moradi E; 2014] Location of Marhashi on the ...; [Mortezai M & Farhani A; 2010] An Archaeological study on the ...; [Mostofi H; 1957] Nozhat Al-Gholoub, Compiled ...; [Orsner CE; 1998] The Archaeology of the ...; [Rajabi N; 2015] Archaeological Findings ...; [Schwartz P; 2003] Historical Geography of Persia ...; [Murray T; 2001] Encyclopedia of Archaeology ...; [Sepidnameh H & Khaledi S; 2013] Historical Geographical Kohgiluyeh ...; [Sepidnameh H, et al.; 2015] Investigating the external ...; [Sepidnameh H, et al.; 2016] Preliminary research on the ...; [Sepidnameh H, et al.; 2016] Kohgiluyeh nomadic habitats in the ...; [Sepidnameh H & Salehi Kakhki A; 2018] The Significance of Kohgiluyeh ...; [Shahidi Marnani N & Ghayumi Bid Hendi M; 2013] Cultural Historical Approach ...; [Siahpour K; 2013] Gilooeyeh clan and their ...; [Sumner W & Whitcomb D; 1999] Islamic Settlement and Chronology ...; [Yaghmayi E; 1994] Tang-e Takab Behbahan ...; [Hamwi Y; 1995] Mojaem al-Baladan, Beirut ...; [Yousefifar Sh; 2010] Patterns of urbanization and ...; [Zarei ME & Noruzi AA; 2016] The Livelihood patterns of ...

پژوهشی باستان‌شناختی بر مکان‌یابی، تکوین و نابودی شهر ریز

حسین سپیدنامه^۱ MA

گروه باستان‌شناسی، دانشکده مرمت، دانشگاه هنر اصفهان، اصفهان، ایران

چکیده

اهداف و زمینه‌ها: علی‌رغم پیشینه طولانی شهر و شهرنشینی در ایران، به روند شهرنشینی در مناطق کوهستانی مانند کوهگیلویه، کمتر توجه شده است. براساس منابع تاریخی، منطقه کوهگیلویه در آغاز دوره اسلامی شاهد پیدایش شهر ریز در ناحیه جغرافیایی میان ارجان و سمیرم بوده است که پس از چند سده از شکل‌گیری آن، در سده ششم هجری قمری، به کلی ویران شد. تعیین موقعیت و جایگاه شهر ریز، شناسایی دوره حیات و علل شکل‌گیری و ویرانی آن، از اهداف این پژوهش است.

روش‌شناسی: روش پژوهش توصیفی-تاریخی با رویکرد باستان‌شناسی تاریخی است. بنابراین، در این پژوهش، موقعیت ریز و علل تکوین آن، با بررسی منابع تاریخی و جغرافیایی مکتوب و بهره‌گیری از مطالعات میدانی و یافته‌های باستان‌شناختی، مورد تحلیل قرار گرفته است.

یافته‌ها: براساس منابع تاریخی و جغرافیایی دوره اسلامی و مطالعات باستان‌شناختی، جایگاه شهر ریز در دامنه کوه "دَمَه" در محوطه تاریخی زینسه دهستان زیزی شهرستان بویراحمد است. شواهد موجود از جمله سفال، سکه، آثار معماری به جای مانده و نیز منابع تاریخی، گویای سکونت در این شهر و رونق آن طی سده‌های دوم تا ششم هجری قمری است. مهم‌ترین دلیل شکل‌گیری ریز را می‌توان در دارابودن یک مرکز سیاسی-اداری برای یکی از رستاق‌های کوره ارجان موسوم به "رون"، قرارگیری بر مسیر ارتباطی ارجان به سمیرم و اصفهان و سپس زیست‌بوم غنی برای کشاورزی و دامپروری منطقه دانست.

نتیجه‌گیری: چنین می‌نماید که حملات طولانی‌مدت اسماعیلیان نزاری در سده پنجم هجری به این شهر، موجب ویران شدن آن شده است.

کلیدواژه‌ها: بررسی باستان‌شناختی، جغرافیای اداری، کوهگیلویه، ریز، زینسه

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۷/۰۳

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۱۰/۲۲

نویسنده مسئول: h.sapidnameh@au.ac.ir

مقدمه

ایران همواره سهم مهمی در شکل‌گیری و رشد شهر و شهرنشینی در طول تاریخ بشر، از حدود سه هزار سال پیش از میلاد مسیح داشته است. روند و عوامل زمینه‌ساز شکل‌گیری، رشد کالبدی و طراحی این شهرها، و همچنین الزامات ساختاری اطلاق واژه "شهر" به یک محوطه تاریخی و نیز علل فروپاشی این شهرها از زمینه‌های مهم مطالعات باستان‌شناسی و معماری بوده است. پژوهش‌های مربوط به شهرنشینی دوره اسلامی در ایران نیز، بیشتر معطوف به شهرهای حکومتی و شهرهای مهم فلات مرکزی ایران بوده و سهم مطالعات شهرنشینی جنوب غربی ایران از این پژوهش‌ها، بخصوص در مناطق کوهستانی، با وجود اشارات جسته‌گریخته منابع تاریخی به شهرهای این منطقه، اندک بوده است. یکی از مناطق مهم جنوب غربی ایران که جایگاه آن در روند تحولات شهرنشینی، تجارت و بازرگانی ایران مورد پژوهش قرار

نگرفته، منطقه کوهستانی کوهگیلویه، به عنوان بخشی از رشته‌کوه زاگرس است که دامنه‌های جنوبی آن تا ساحل خلیج فارس، امتداد دارد. این منطقه در دوره اسلامی، به دلیل کوهستانی بودن، زیست‌بوم غنی، قرارگیری در کنار زمین‌های پست و جلگه‌ای، یکی از کانون‌های زندگی کوچ‌نشینی با یک حوزه جغرافیای سیاسی کاملاً مشخص موسوم به "رم" بوده است [Estakhri, 1989: 102]. جایگاه این منطقه در دوره اسلامی، با وجود اشارات منابع تاریخی به لحاظ شکل‌گیری شهرهایی همچون ریز، جومه و گنبد ملغان [Moghaddasi, 1982: 581] به لحاظ شمار اندک پژوهش‌های باستان‌شناختی، کمتر شناخته شده است به طوری که برخی از پژوهش‌هایی که در خصوص جایگاه شهرهای جنوب غرب ایران انجام شده، هیچ‌گونه اشاره‌ای به شهر ریز در منطقه کوهگیلویه نداشته‌اند [Zarei & Noruzi, 2016]. شکل‌گیری شهرهایی مانند دهدشت را در این منطقه کوهستانی، بدلیل عرضه کالاهای عشایر و بازارهای آنها دانست، زیرا مناسبات اقتصادی-اجتماعی در شهری با منشا قبیله‌ای و شهرهای تکامل یافته از حالت روستایی، با شهری که در اثر اراده حکومت و دستگاه اداری برپا شده، تفاوت بسیار داشته است [Yousefifar, 2010: 147]. همچنین نحوه شکل‌گیری و مکان‌یابی عناصر و بخش‌های مهم شهر و رابطه آنها با یکدیگر تحت تاثیر عوامل متعددی مانند عوامل طبیعی، اقتصادی، اجتماعی و عوامل اداری-نظامی بوده است [Khalidian et al, 2016: 36] که به این تمایزات در شکل‌گیری شهرهای جنوب غرب ایران، به خصوص منطقه کوهستانی کوهگیلویه، توجه نشده است.

ریز یکی از معدود محوطه‌های شهری کوهگیلویه است که تاکنون (۱۳۹۷) مورد مطالعه دقیق باستان‌شناختی قرار نگرفته است. صاحب کتاب "احسن التقاسیم فی معرفه الاقالیم" در سده چهارم ه.ق، نخستین کسی است که از ریز به عنوان یکی از منزلگاه‌های مسیر ارتباطی ارجان به اصفهان نام می‌برد: از ارجان گرفته تا "کنشت مجوسان" یک مرحله، سپس تا قریه سپس تا ریز، یک مرحله، سپس تا عینیه یک مرحله، سپس تا رودخانه یک مرحله، سپس تا خرنده یک مرحله، سپس تا سمیرم یک مرحله است [Moghaddasi, 1982: 637]. وی همچنین در بیان شهرهای کوهستان از شهر ریز نام می‌برد و می‌نویسد: «ریز شهری کوچک در کوهستان در کنار رود طاب است. نان را در آنجا هشت من، به من آنجا، به یک درم خریدیم. گوشت و گوز (گردو) و میوه، در آنجا ارزانست. جامع نیکوی آن به سال ۳۶۷ ساخته شده است. به سال ۳۶۸ که من آنجا بودم هنوز آن را می‌ساختند» [Ibid, 581]. اشاره مقدسی به ساخت این مسجد در سال ۳۶۷ هجری قمری و تداوم ساخت آن در سال ۳۶۸ هجری قمری، احتمالاً حاکی از بکارگیری تزییناتی مانند گچ‌بری یا کاشی‌کاری در آن بوده است. ابن‌بلخی در اواخر سده پنجم هجری قمری از منطقه کوهگیلویه و ویرانی ریز صحبت می‌کند: «... هوا آن سردسیرست و آب‌های روان بسیار و دیه‌ها داشته است نیکو، اما در روزگار فترت و استیلاء

جای نام‌های تاریخی چون شهرها و ارزیابی آنها با تکیه بر شواهد باستان‌شناختی انجام می‌گیرد. مکان‌یابی مرهشی در هزاره سوم و دوم ق.م [Moradi, 2014] و پژوهش در خصوص تعیین شهر باستانی ویمه یا دیمه [Mortezai & Farhani, 2010] با چنین رویکردی، ضمن تجزیه و تحلیل متون تاریخی و جغرافیایی و ارزیابی آنها با شواهد باستان‌شناختی چون سفال و آثار معماری، انجام شده است. باستان‌شناسی تاریخی با توجه به کثرت و تنوع اسناد مکتوب، میان‌رشتگی و بهره‌گیری از نظریه‌های رشته‌های دیگر همچون جغرافیای سیاسی-اداری به عنوان واحدهای سیاسی محلی و بخش‌های اداری [Jones et al, 2004: 2] و جغرافیای تاریخی به عنوان علم مطالعه تأثیر محیط جغرافیایی بر وقایع تاریخ [Gharachanlou, 2011: 8] که از ویژگی‌های رویکرد نظری تاریخ فرهنگی است، می‌کوشد به تعیین جایگاه جغرافیایی و سیاسی شهر زیز بپردازد. مهم‌ترین مدارکی که پژوهشگران رشته تاریخ و باستان‌شناسی در رویکرد تاریخ فرهنگی از آن سود می‌جویند عبارتند از: منابع مکتوب (مانند سفرنامه‌ها، قراردادها، کتیبه‌ها، فرمان‌های حکومتی)، منابع معماری (مساجد، کاخ‌ها، معماری شهرها)، منابع تصویری (نقشه‌ها، نقاشی‌ها و تندیس‌ها)، سکه‌ها، و اشیای مورد استفاده روزمره مانند سفال‌ها [Shahidi, Marnani et al, 2013: 94]، اگر چه در نبود مدارک نوشتاری، تعیین هویت، شناخت و وابستگی بسیاری از محوطه‌های تاریخی و فرهنگ‌ها با ابهام همراه خواهد بود [Mohamadifar, 2005: 82]، مدارک باستان‌شناسی حاصل از مطالعات و بررسی‌های میدانی، به صورت مستندتری شواهد مادی مرتبط با آنها را، مورد بررسی و مطالعه قرار می‌دهد. شهر زیز به استناد منابع مکتوب در قرون چهارم و پنجم هجری قمری در دارای حیات اجتماعی بوده است [Moghaddasi, 1982: 637; Balkhi, 2007: 147] ولی منابع تاریخی از پیشینه بنیان این شهر، کیفیت و جایگاه وجود آن در ساختار نظام اداری و اقتصاد سیاسی جامعه خان‌سالار و کوچ‌رو کوهگیلویه اطلاعاتی فراهم نکرده‌اند. بنابراین، از آنجا که سواد و نوشتار به گروه‌های بالای اجتماعی منحصر بوده است و درباره گروه‌های اجتماعی دیگر مانند عوام شهرنشین، پیشه‌وران، روستائیان و عشایر کوچ‌رو اطلاعات اندک است. از تلفیق منابع مکتوب (تاریخ سیاسی و اجتماعی) با داده‌های باستان‌شناختی مانند معماری، کتیبه برجای مانده، سکه و سفال از محوطه‌ای چون زینسه (مکان شهر زیز)، می‌وان به روند تکوین و نابودی این شهر، روند تحول و تطور نهادهای اجتماعی، برهمکنش‌های فرامنطقه‌ای و تا حدودی به جنبه‌هایی از نظام سیاسی-اداری، تا حدود زیادی پی‌برد [Labaf Khaniki, 2010; Stein, 2009]. این مقاله گامی نخست در جهت شناخت ما با رهیافت باستان‌شناسی تاریخی از نهادهای موثر در ساختار اداری منطقه (مرکزیت سیاسی شهر زیز) و روند تطور فرهنگی جامعه خان‌سالار منطقه مورد مطالعه (کوهگیلویه) مبتنی بر بررسی‌های باستان‌شناختی با بهره‌جستن از منابع تاریخی در خصوص

ملحدان ابادالله سنتهم (اسماعیلیان) خراب گشت و درختان میوه‌هاست و زیر جامع و منبر دارد و نواحی آن، سمیرم نزدیک است و نخجیرگاه است» [Balkhi, 2007: 147]. این امر نشان می‌دهد که گستره جغرافیای اداری زیز تا رودخانه خراسان و کوه دنا به عنوان یک امر طبیعی بوده است. یاقوت از زیز با نام "زز" یاد می‌کند و می‌نویسد: «از برخی عقلای اهل همدان، در باب زز (زیز) سوال کردم که پاسخ دادند: زز ولایتی در لالستان است و از بخش‌های اصفهان به شمار می‌رود» [Hamwi, 1995: 141]. با توجه به اینکه از زمان شکل‌گیری شهر زیز در منابع تاریخی، اطلاعات چندانی حاصل نمی‌شود و مکان دقیق آن براساس مطالعات باستان‌شناختی، مشخص نشده است، از این رو در این پژوهش در پی پاسخ به دو پرسش هستیم: ۱- موقعیت شهر تاریخی زیز کجا بوده است و شواهد باستان‌شناختی تا چه اندازه با تاریخ استقرار و علل تکوین و فروپاشی آن در منابع تاریخی انطباق دارد؟ ۲- شهر تاریخی زیز چه جایگاهی در تاریخ سیاسی-اداری کوره ارجان و به تبع آن منطقه کوهگیلویه داشته است؟ نگارندگان در این پژوهش سعی خواهند کرد تا براساس بررسی باستان‌شناختی، ضمن مشخص نمودن مکان دقیق شهر زیز، علل شکل‌گیری و فروپاشی آن را مورد بررسی قرار دهند.

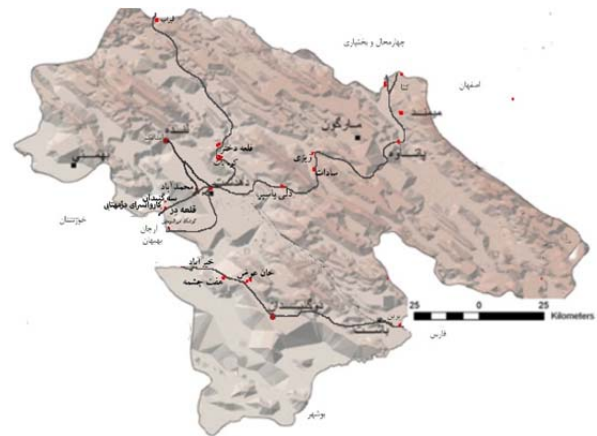
روش‌شناسی

باستان‌شناسی به واسطه بهره‌گیری از علوم جغرافیا، تاریخ، فیزیک، شیمی ماهیت میان‌رشته‌ای دارد. با توجه به اینکه در این پژوهش، هدف نگارندگان مکان‌یابی و تعیین جایگاه سیاسی-اداری شهر تاریخی زیز در منابع تاریخی با اتکا به شواهد باستان‌شناختی است، این پژوهش از روش باستان‌شناسی تاریخی در مطالعه خود سود می‌جوید که از بُعد روش تحقیق، بر ترکیبی از مدارک مکتوب و داده‌های باستان‌شناختی استوار است [Orser, 1998]. نگاهی به تاریخچه مطالعات باستان‌شناسی تاریخی نشان می‌دهد، اصول آن کمتر از یک سده پیش در سال ۱۹۳۰ میلادی در پاسخ به نیازهای روز جامعه آمریکا، در ایالات متحده تدوین شد و پس از سه دهه مورد توجه باستان‌شناسان اروپایی و استرالیایی قرار گرفت. این بُعد از مطالعات باستان‌شناسی، اگر چه با بهره‌گیری از مدارک مکتوب جغرافیایی و تاریخی بر پرسش‌های تاریخی و موضوعی برای یافتن یا تفسیر یک محوطه باستانی تأکید دارد، با این وجود، اگر مدارک مکتوب را با داده‌های باستان‌شناختی به موازات هم مورد مطالعه قرار دهیم، می‌توان نتایج را با هم مقایسه یا حتی ادغام نمود. بنابراین می‌توان با همسنجی و تحلیل مدارک نوشتاری با شواهد مادی، به ارزیابی منابع تاریخی در خصوص نهادها و ساختارهای اجتماعی و سیاسی در نواحی گوناگون پی برد. در ایران پژوهش‌های مبتنی بر رویکرد باستان‌شناسی تاریخی از حدود نیم سده پیش، بیشتر در میان باستان‌شناسان علاقمند به پژوهش در خصوص تمدن عیلام تا دوره اسلامی، و بیشتر با هدف پی‌بردن به موقعیت و اهمیت

کنش‌گران انسانی در روند سیاسی ارجان و کوهگیلویه مانند گیلویه و نوادگان او و فرقه مذهبی اسماعیلیان است.

حدود و موقعیت کوهگیلویه

سراسر منطقه که از سال ۱۳۴۲ هجری شمسی به عنوان فرمانداری کل کهگیلویه و بویراحمد و از سال ۱۳۵۵ هجری شمسی "استان کهگیلویه و بویراحمد" نامگذاری شد (شکل ۱). در تمامی متون تاریخی و جغرافیایی دوره اسلامی با عناوینی چون "زم جیلویه" [Estakhri, 1989: 102], "جبل جیلویه" [Mostofi, 1957: 152] و "کوهگیلویه" [Hosseini Fasaei, 2003: 1488]. شناخته شده است. استان کوهگیلویه و بویراحمد با ۱۶/۲۶۴ کیلومتر مربع وسعت در جنوب غربی ایران، بین ۳۰° ۹' و ۳۱° ۳۱' و ۳۲° عرض شمالی و ۴۹° و ۵۷° تا ۵۰° و ۴۲° طول شرقی واقع شده است. این استان از شمال به چهارمحال و بختیاری، از غرب به خوزستان، از جنوب به فارس و بوشهر و از شرق به فارس و اصفهان محدود می‌شود (شکل ۱). شهر مورد مطالعه (زیز) در ناحیه سردسیری این استان، در شهرستان بویراحمد قرار دارد.



شکل ۱) موقعیت زیزی بر مسیر راه باستانی ارجان به سمیرم و اصفهان در منطقه کوهگیلویه

برخی از محققان موقعیت زیز را با ویرانه‌های دلی‌یاسیر در ۲۰ کیلومتری شرق دهدشت، مطابقت داده‌اند [Gaubeh, 1980: 95]. در صورتی که پژوهش‌های انجام شده نشان می‌دهد که موقعیت شهر زیز در منابع تاریخی، قابل انطباق با شواهد باستان‌شناختی و اشارات منابع تاریخی در محوطه باستانی دلی‌یاسیر امروزی نیست [Azadi, 2008: 609; Sepidnameh et al, 2016]. نویسنده کتاب تاریخ و جغرافیای کوهگیلویه و بویراحمد، نخستین کسی است که موقعیت شهر زیز را با منطقه‌ای به نام "زی‌زی" در دامنه دو رشته کوه متوازی کوه دمه و کوه گوراسپید، در دو محوطه زیزنسه و زیز برآفتاب در دو سوی رودخانه مارون مطابقت داده است [Majidi, 1992: 76]. لیکن شواهد باستان‌شناختی برجای مانده را مورد مطالعه قرار نداده است. براساس بررسی‌های باستان‌شناختی انجام شده، زیزنسه، یکی از محوطه‌های شهری دوره صفویه، با تمام مولفه‌های شهری چون

وسعت و تنوع مواد فرهنگی، دانسته شده است [Alamdari, 2009: 412]. لیکن به وسعت و تنوع مواد فرهنگی، مولفه‌های شهرنشینی و جایگاه این محوطه تاریخی، هیچ‌گونه اشاره‌ای نشده است. نگارنده مسئول این نوشتار، در راستای مطالعه راه‌های برون‌منطقه‌ای کوهگیلویه و بویراحمد و تاریخ‌گذاری پل زیزنسه، به بررسی سطحی محوطه زیزنسه پرداخت و با گردآوری و مطالعه نه قطعه سفال، دوره آل‌بویه و سلجوقی را برای ساخت پل زیزی پیشنهاد داد. وجود سفال‌های متعلق به عصر سلجوقی، نگارندگان را بر آن داشت، تا به بررسی تطبیقی زیزنسه با شهر زیز، در منابع تاریخی بپردازند. قرابت زبان‌شناختی ناحیه زیزی در بخش سردسیری کوهگیلویه با شهر زیز و معنای لغوی زیز به دانه‌های برف به استناد برخی پژوهش‌ها [Schwartz, 1993: 254] می‌تواند از دلایل انطباق محوطه زیزنسه با شهر زیز باشد که با توجه به قرارگیری در اقلیم سردسیری، در فصل زمستان نیز تا حدودی پوشیده از برف است.

جغرافیای تاریخی زیز

در خصوص جغرافیای تاریخی شهر زیز، تنها با تحلیل منابع تاریخی می‌توان به موقعیت آن در گستره جغرافیایی جنوب غربی ایران پی برد. همان‌گونه که پیش‌تر یاد شد، مقدسی در سده چهارم هجری قمری به گوشت، گردو و میوه ارزان شهر زیز، این بلخی در اواخر سده پنجم هجری قمری به هوای سردسیر، آب‌های روان بسیار، درختان و نخجیرگاه‌بودن زیز و یاقوت به موقعیت آن در بخش لالستان، میان اصفهان و کوه‌های لرستان اشاره کرده‌اند که توصیفات یادشده ناحیه "زیز" را در گستره جغرافیای کوهگیلویه قرار می‌دهد. قرارگیری زیز در بخش‌های اصفهان در دوره یاقوت، بیانگر آن است که احتمالاً تقسیمات جغرافیایی اداری کوره‌های پنج‌گانه فارس در این دوره، دستخوش تحول شده بود، زیرا این شهر در متون ماقبل خویش، به عنوان بخشی از کوره ارجان و شاپور یاد شده است [Balkhi, 2007: 124; Hamwi, 1995: 141]. ولی در این رفورم اداری-سیاسی به اصفهان منضم شده است. از دوره یاقوت به بعد، در هیچ یک از منابع تاریخی و جغرافیایی، از شهر زیز یاد نشده است. شهر زیز در بخش سردسیری کوهگیلویه موسوم به "رون" قرار داشته است، به طوری که توصیفات مورخان از وضعیت اقلیمی و موقعیت جغرافیایی این ناحیه نیز قابل انطباق با موقعیت محوطه‌های زیزی است [Mostofi, 1957: 134; Balkhi, 2007: 124]. صاحب فارسنامه ناصری در سده سیزدهم هجری (دوره حکومت احتشام‌الدوله)، ضمن اشاره به تصاحب هر قسمتی از آن توسط طوایف مختلف الوار کوهگیلویه، "رون" را ناحیه سردسیر کوهگیلویه با زمستان سرد در میانه شمال و مغرب شیراز در منطقه بویراحمد امروزی دانسته است که در دوره ساسانی تا اوایل اسلام نیز تابستان‌نشین طایفه شبانکاره بود [Hosseini Fasaei, 2003: 1467]. انطباق نسبی تقسیم‌بندی جغرافیایی حسینی

تاریخی، ارزیابی پتانسیل‌های محیطی به عنوان عوامل موثر بر شکل‌گیری و رویدادهای تاریخی مرتبط با فروپاشی آن است.



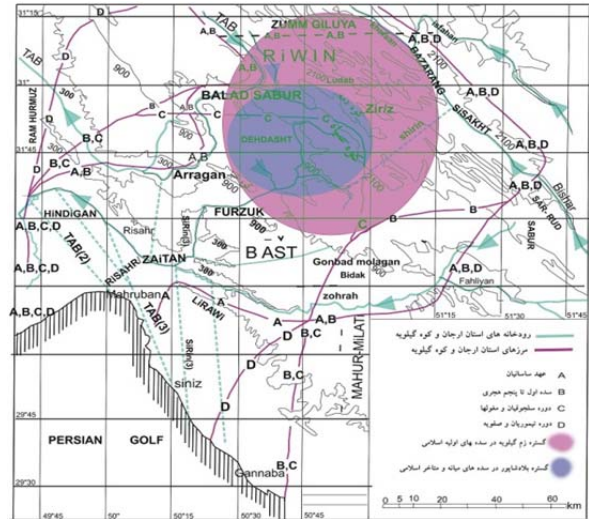
شکل ۳ چشم‌انداز قرارگیری محوطه‌های تاریخی زیزی [Google Earth]

شواهد معماری زیزنسه

زیزنسه با حدود بیست هکتار وسعت، یکی از معدود محوطه‌های شهری دوره اسلامی کوهگیلویه، پس از یافت قدیم دهدشت است که در دهستان زیزی بخش لوداب، شهرستان بویراحمد واقع شده است (شکل ۴).

سراسر این محوطه امروزه توسط ساکنین ناحیه زیزی، به زیر کشت محصولات باغی چون هلو، گردو و همچنین صیفی‌جات رفته است و در اثر شخم‌زدن و کاشت درختان، آسیب‌های فراوانی به آن وارد شده است (شکل ۵، الف). افزون بر این، طی دهه‌های گذشته این محوطه از خطر کاوش‌گران غیرمجاز مصون نمانده و در جای‌جای آن، کندوکاوهای زیادی صورت گرفته است که نشان می‌دهد بسیاری از بقایای معماری، هنوز در زیر دو متر از خاک سطحی قرار گرفته‌اند. بنابراین کاوش باستان‌شناسی زیزنسه برای شناخت هر چه بیشتر بناهای مختلف آن چون مسجد جامع، بازار، ارگ و دیگر اجزای کالبدی یک شهر ضروری است. در جای‌جای زیزنسه آثار دیوارهایی بر سطح زمین به چشم می‌خورد که در برخی از جاها تا ۸۰ سانتی‌متر از ارتفاع آنها برجای مانده است (شکل ۵، ب). آنچه بر سطح محوطه بر اثر مداخلات انسانی چون کاوش‌های غیرمجاز دیده می‌شود، آثاری از بناهای ساخته شده از سنگ و ملات گچ و همچنین اجرای ساختمان با سنگ‌های قالبی به روش خشکه‌چین و بدون استفاده از هر گونه ملاتی است؛ گرچه سنگ‌های پرداخت‌شده تقریباً پاک‌تراش، امروزه توسط کشاورزان کاملاً جمع شده و به عنوان حصار و مرزبندی زمین‌های کشاورزی به کار رفته است (شکل ۵، ج). برخی از این سنگ‌های نسبتاً پاک‌تراش و پرداخت شده، همانند سنگ‌هایی است که به عنوان پایه ستون در دیگر محوطه‌های دوره اسلامی منطقه کوهگیلویه به کار رفته است. این قطعه‌های پایه ستون که در برخی مواقع نیز تشکیل ستون‌های چندتکه را می‌دهد حدود ۳۰ سانتی‌متر قطر و ۳۰ سانتی‌متر ارتفاع دارند (شکل ۵، چ). نمونه‌های چنین شیوه

فسائی (دوره قاجار) با ابن حوقل در سده چهارم هجری قمری از ناحیه کوهگیلویه و راون، در کنار اشارات مقدسی به محصولات چمن گردوی ارزان شهر زیز (که خاص منطقه سردسیری کوهگیلویه است) و ابن بلخی در خصوص موقعیت سردسیری شهر زیز در کوهگیلویه و همچنین معنای واژه زیز به دانه‌های برف [Schwartz, 1993: 254] حاکی از موقعیت جغرافیایی شهر زیز، در ناحیه سردسیری کوهگیلویه است (شکل ۲).



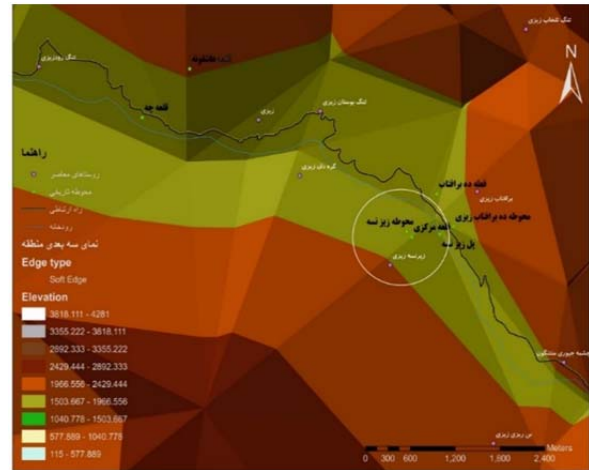
شکل ۲ موقعیت تقریبی بلادشاپور و زیز در کوهگیلویه

بررسی باستان‌شناختی "زیزنسه"

منطقه زیزی در حدود ۶۰ کیلومتری شمال غرب شهر یاسوج قرار دارد که امروزه جاده آسفالت‌نه اصفهان به خوزستان (موسوم به جاده پاتاوه به دهدشت) از سوی شمال و شرق آن می‌گذرد (شکل ۳). پوشش جنگلی منطقه عمدتاً از نوع بلوط است و محصولات باغی آن را انگور، گردو و هلو تشکیل می‌دهد و در کنار کشاورزی، دامداری نیز رونق دارد. محوطه زیزنسه، در حدود ۳۰۰ متری غرب راه ارتباطی ناحیه زیزی و در سوی غربی رودخانه زیزی، در نزدیکی مسیر شاهراه ارتباطی آرجان و بنادر ساحلی مهربان و جنبه به فلات مرکزی ایران نیز قرار داشته است (Sepidnameh et al, 2016: 109). براساس پژوهش‌های باستان‌شناختی انجام شده، دو ایستگاه کنشت مجوسان و قریه (دو ایستگاه پیش از زیز از آرجان به سمیرم) با کاروانسراهای دژمهبانی و محمدآباد تطبیق داده شده که سفال‌های سطحی کاروانسرای محمدآباد نیز قابل انتساب به دوران یاد شده است (Sepidnameh & Salehi, 2018). Kakhki, 2018 بنا بر این وجود محوطه‌ای متعلق به دوره آل بویه و سلجوقی (سده‌های سوم تا پنجم هجری قمری) می‌تواند قابل انطباق به زیز باشد که با کاروانسراهای یادشده از لحاظ زمانی نیز، مطابقت داشته باشد. آنچه در پی خواهد آمد، بررسی باستان‌شناختی زیزنسه، به عنوان بزرگ‌ترین محوطه تاریخی زیزی، قلاع تاریخی به عنوان تأمین‌کننده امنیت راه‌ها و شهرهای

امکان‌پذیر است. از سه سوی دیگر، با شیب تندی به سطح زمین- های اطراف پایان می‌یابد. مساحت قلعه مرکزی یا ارگ زیز ۲۳۵ مترمربع، به طول ۱۷ متر و عرض ۱۴ متر است. حیاط مرکزی آن ۸ متر عرض و ۱۱ متر طول دارد. ورودی این بنا در جبهه شمال غربی، ضخامت دیوارهای آن یک تا ۲ متر از ارتفاع دیوارهای آن برجای مانده است. بقایای معماری برجی مانده شامل یک اتاق در جبهه غربی و یک اتاق در جبهه شمالی است. در ضلع شرقی، دیواری به طول سه متر از دیوار اصلی به سمت شمال کشیده شده است که نشان‌دهنده بقایای برجی در این سوی استحکامات یاد شده است. افزون بر این که در گوشه جنوب شرقی نیز در اثر کندوکاو، بقایای دیواری به ارتفاع یک متر، در زیر کف حیاط دیده می‌شود، دیوارهای آن نیز طی دهه‌های گذشته توسط عشایر منطقه برای استفاده مجدد، بازسازی شده است [Alamdari, 2009: 412]. به طوری که نشانه‌های این بازسازی مجدد، در اتاق جبهه شمال غربی، کاملاً مشخص است. با توجه به موقعیت قرارگیری بنا، می‌توان احتمال داد این بخش، مقر حاکم شهر زیز، به عنوان برجسته‌ترین بخش محوطه بوده است.

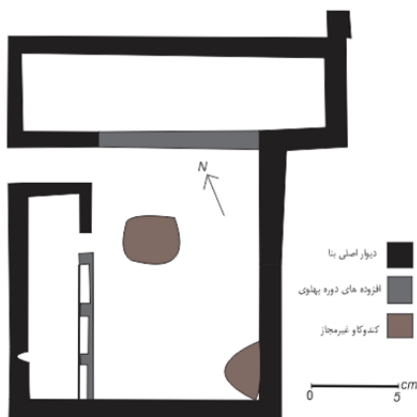
معماری در منطقه کوهگیلویه به سده‌های میانه اسلامی تاریخ‌گذاری شده‌اند [Azadi, 2013; Ghezlbash & Parviz, 2008: 490]. افزون بر محوطه‌های سده‌های میانه اسلامی کوهگیلویه، چنین سبک ستون‌های چندتکه سنگی در بنای کاخ سروستان، یادآور اواخر دوره ساسانی و سده‌های نخستین اسلامی است.



شکل ۴) موقعیت ارتفاعی محوطه‌های زیزی و روستاهای معاصر



الف) موقعیت بنای مرکزی



ب) پلان بنای مرکزی محوطه

شکل ۶) شواهد معماری محوطه زیزنسه

دومین اثر دفاعی قابل ملاحظه (قلعه عاشقونه) در موقعیتی قرار گرفته است که می‌توانسته بخش شمال غربی زیزی یعنی انتهای دره‌ای که شهر در آن قرار گرفته را تحت پوشش دید ساکنین قلعه قرار دهد. این قلعه دارای پلان دوزنقه‌ای با برج‌های دایره‌ای شکل



الف) چشم‌انداز کلی محوطه زیزنسه ب) شواهد آثار معماری محوطه زیز



ج) حصارهای سنگ‌چین کشاورزان معاصر چ) ستون‌های چندتکه دایره‌ای شکل
شکل ۵) شواهد معماری محوطه زیزنسه

استحکامات زیز

بدون شک تامین امنیت شهرهای تاریخی و راه‌های ارتباطی در دوران باستان، جز با ساخت قلاع و برج‌های دیده‌بانی امکان‌پذیر نبوده است. در ناحیه زیزی بقایای سه قلعه تاریخی مشرف بر دره و تنگه زیزی و محوطه‌های تاریخی آن، شناسایی شده است که نشان می‌دهد به مقوله دفاع در شکل‌گیری و تداوم حیات شهر دقت شده است. در ادامه به این استحکامات می‌پردازیم.

در سوی جنوبی زیزنسه بر روی یک برجستگی در ارتفاع ۲۰ متر از سطح زمین‌های اطراف، بقایای تنها بنای قابل انتساب به قلعه مرکزی یا ارگ زیز قرار دارد (شکل ۶). دسترسی به این بنا با شیب ملایمی از سوی جنوب غربی به ورودی آن در سوی شمال غربی

رودخانه زیزی، روی یک پشته طبیعی با شیب تندی از سه جهت شمال، جنوب و غرب است که بخش شرقی و جنوبی دره زیزی را پوشش می‌دهد. سفال‌های این قلعه به آغاز دوره اسلامی تاریخگذاری شده است [Alamdari, 2009: 402] که از لحاظ زمانی با دیگر داده‌های باستان‌شناسی زیزی همپوشانی دارند.

رودتاب و پل تاریخی زیز نسه

در میان ناحیه و محوطه‌های زیزی، رودخانه دائمی زیزی، از سرشاخه‌های رودخانه مارون قرار دارد که در تمامی منابع جغرافیایی دوره اسلامی تا دوره قاجار، به رودتاب مشهور بوده است [Majidi, 1992: 42] با استناد به منابع جغرافیایی سده‌های میانه اسلامی، شهر زیز در کنار رودخانه تاب داشته است [Moghaddasi, 1982: 581; Ibn Hauqel, 1936: 44] که از مرزها و کوه‌های نزدیک به اصفهان سرچشمه می‌گرفت [Mostofi, 1957: 234]. با پیوستن شاخه‌های متعدد در طول مسیر خود، از کنار آرژان می‌گذشته است [Hosseini Fasaei, 2003: 323]. در ضلع شرقی محوطه زیزنسه، بقایایی از یک پل ارتباطی قلوه سنگ و ملات آهک و گچ، روی این رودخانه از دوره حیات و رونق این محوطه، برجای مانده است. از این پل، تنها بقایای یکی از پایه‌های آن به طول ۳/۱۰ متر، عرض ۳ متر و ارتفاع ۳/۲۰ متر باقی مانده است.

کتیبه کوفی

در منتهی‌الیه جبهه شمال غربی محوطه زیزنسه، یک سنگ نبشته به خط کوفی برجای مانده که با توجه به رسم‌الخط ابتدایی آن، قابل تاریخ‌گذاری به سده‌های نخستین اسلامی است (شکل ۸). رسم‌الخط این سنگ نبشته فرسایش یافته و ناخوانا، در گروه خطوط کوفی مرسوم سده چهارم تا هفتم هجری قمری قرار نمی‌گیرد و حروف و زمینه خطوط به کار رفته در این کتیبه، دارای نظم خاصی نیست و به صورت چرخشی در زمینه، کنده شده است.



شکل ۸) سنگ‌نبشته کوفی زیزنسه

است [Alamdari, 2009: 378-385] که تقریباً حدود یک متر از ارتفاع دیوار شمالی آن برجای مانده است (شکل ۷).



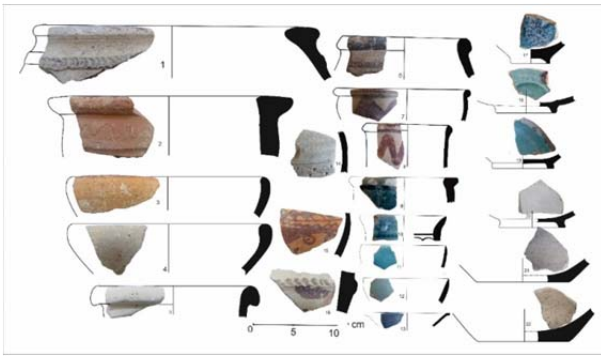
الف) موقعیت قلعه عاشقونه به زیزنسه



ب) بقایای دیوار ضلع شمالی قلعه عاشقونه

شکل ۷) آثار قلعه عاشقونه زیز

سفال‌های سطحی قلعه عاشقونه به دو گروه سفال‌های دست‌ساز دارای خمیره قهوه‌ای روشن با شاموت شن درشت و پخت ناکافی با ضخامت حدود ۱۳-۱۵ میلی‌متر و سفال‌های خاکستری دارای شاموت شن‌ریز و پخت کافی و ضخامت ۱۷-۱۴ میلی‌متر (بدنه) و ۵ میلی‌متر در کف هستند. این سفال‌ها از لحاظ گاهنگاری قابل انتساب به اواخر دوره ساسانی و سده‌های نخستین اسلامی (سده اول و دوم هجری) هستند که تقریباً با سفال‌های محوطه زیزنسه همانندی‌هایی را نشان می‌دهند. این بلخی، ویرانی این شهر را به اسماعیلیان نسبت می‌دهد که این کار آنها، جز با داشتن یک پایگاه نظامی، میسر نبوده است. گاوپه نیز با اشاره به ویرانی شهر زیز به دست اسماعیلیان، احتمال وجود یک دژ اسماعیلی دیگر را در ناحیه دهدشت داده است [Gaubeh, 1980: 181] لیکن با توجه به عدم شناخت موقعیت شهر زیز، نتوانسته موقعیت قلعه را مشخص نماید. روی دو پشته در جنوب غربی قلعه عاشقونه و تقریباً در ۹۰۰ متری غرب روستای زیزی سفلی، محوطه موسوم به قلعه‌چه، ساختارهای معماری از لاشه سنگ و ملات گچ متعلق به دوره پهلوی اول بر روی لایه‌های فرهنگی قرون میانه اسلامی با قبوری از سده‌های نخستین اسلامی گزارش شده است [Alamdari, 2009: 458-459]. این بناها با توجه به موقعیت قرارگیری آنها، با قلعه عاشقونه ارتباط داشته و بخش شمال و غرب دره زیزی را به طور کامل محافظت می‌نمودند. در ناحیه زیزی، قلعه دیگری موسوم به "قلعه ده برآفتاب" در سوی شمالی



شکل ۱۰) سفال‌های بدون لعاب و لعابدار محوطه زینسه (این سفال‌ها پس از بررسی و مطالعه به بافت محوطه در بخش برداشت شده، برگردانده شدند).

عوامل موثر بر شکل‌گیری شهر زیز

مهم‌ترین دلیل شکل‌گیری شهر زیز را باید در دارابودن یک مرکز سیاسی-اداری، در یکی از رستاق‌های شرق کوره ارجان (ناحیه کوهگیلویه) دانست. کوره ارجان در بخش شرقی خود در قرون نخستین اسلامی دارای شهر جومه در بخش کوهستانی گرمسیری در رستاق بلادشاپور و شهر زیز در بخش کوهستانی سردسیر رون بود. این دو شهر در گستره جغرافیای سیاسی-اداری بزرگ‌ترین ناحیه کوچ‌نشینان فارس، موسوم به زم‌گیلویه قرار داشته‌اند [Estakhri, 1989: 102]. وظیفه حاکم این زم، مقابله با حوادث، جمع‌آوری مالیات و تامین امنیت راه‌های ارتباطی قلمرو خود دانسته شده که برای دستیابی به این مهم، صاحب بیش از هزار سوار و گستره جغرافیایی مشخصی برای کوچ‌نشینان وابسته به او بوده است. برخی از پژوهشگران به واسطه وجود شهر زیز در ناحیه کوهگیلویه، ضمن بررسی نقش سیاسی-اجتماعی خاندان گیلویه در عصر عباسیان طی سده سوم هجری قمری، یکی از مهم‌ترین دلایل درگیری خاندان بودلف عجلی و گیلویه را حاکمیت بر شهر زیز و بهره‌برداری از منابع و منافع آن می‌دانند که به دلیل مقاومت سرسختانه گیلویه، قتل گیلویه و معقل بن عیسی را در پی داشت [Siahpour, 2013]. بنابراین باید همواره در روند شکل‌گیری شهر زیز و رونق اقتصادی این شهر به گیلویه و نوادگان او که بیش از یک سده در دوره عباسی حاکمیت منطقه را در اختیار داشتند توجه داشت. به نظر می‌رسد این شهر، افزون بر کارکرد مدیریتی برای جامعه کوچ‌نشین منطقه، همانند دیگر شهرهای نواحی کوچ‌نشین همانند دهدشت در عصر صفوی [Sepidnameh et al, 2013] یک مرکز مبادله کالا نیز بوده است که نیازهای مردمان این نواحی را نیز برآورده می‌ساخت. همچنین گزینش این مکان برای شکل‌گیری یک استقرار شهری را باید مرهون پتانسیل‌های زیست‌محیطی و رودخانه جاری در آن دانست، چنانکه مقدسی از گوشت، گردو و میوه ارزان زیز صحبت می‌نماید که در منابع تاریخی سده‌های متاخر اسلامی، از گله‌های گوسفند و بز آنان نیز یاد شده است. زیست‌بوم غنی نیز اهمیت راه‌های برون‌منطقه‌ای و شهرهای این منطقه را دوچندان کرده بود به طوری که علاوه بر تولیدات اقتصادی این منطقه به شهرهای

افزون بر کتیبه زیزی، می‌توان به سکه به‌دست آمده در این ناحیه اشاره کرد که در مجموعه شخصی پوردلیبر یاسوج نگهداری می‌شود. این سکه نقره‌ای دارای مشخصات دوره اموی است که در سال ۱۲۵ هجری قمری در شهر واسط ضرب شده است (شکل ۹). روی این سکه در مرکز عبارت "الله احده الله الصمد لم یلد و لم یولد ولم یکن له کفوا احد" و در حاشیه آن آیه ۳۳ سوره توبه "هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَى وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ" آمده است. پشت سکه نیز در مرکز عبارت "لا اله الا الله وحده لا شریک له" و در حاشیه "بسم الله ضرب هذا الدرهم بواسط سنه خمس و عشرين و مئه" آمده است. این سکه مربوط به آغاز سده دوم هجری و اواخر دوره امویان (اوایل خلافت هشام بن عبدالملک؛ حک ۱۲۵-۱۰۵ ه.ق) است که نشان می‌دهد دست کم در آغاز سده دوم هجری حیات اجتماعی در استقرارگاه زیز برقرار بوده است.



شکل ۹) سکه اموی زیزی مجموعه پوردلیبر

شواهد سفالی زینسه

از سطح محوطه زینسه شمار ۲۲ تکه سفال برای طراحی و مطالعه گردآوری شد (شکل ۱۰). سفال‌ها به دو گروه ساده و لعابدار تقسیم می‌شوند. سفال‌های لعابدار ساده تک‌رنگ سبز، فیروزه‌ای و لاجوردی و نقش‌کنده زیر لعاب با خمیره نخودی و سفید چینی با پخت کافی، از لحاظ تاریخگذاری قابل انتساب به سده‌های سوم تا ششم هجری قمری هستند. سفال‌های بدون لعاب نیز سه گروه بدون لعاب ساده، بدون لعاب منقوش به رنگ قهوه‌ای و بدون لعاب با نقش‌کننده هستند. سفال‌های منقوش بدون لعاب، موسوم به "شبه پیش از تاریخ" از مولفه‌های ثابت طایفه گیلویه در سده چهارم هجری قمری دانسته شده که در بیشتر محوطه‌ها، از سده دوم تا هفتم هجری قمری وجود داشته است [Sumner & Whitcomb, 1999: 320; Rajabi, 2015: 206]. با توجه به این که از سده ششم هجری قمری به بعد، در منابع تاریخی از این شهر یاد نشده است، می‌توان دوره حیات شهر را سده دوم تا ششم هجری قمری دانست.

منطقه کوهگیلویه در ناحیه رون قرار می‌دهد. براساس بررسی باستان‌شناختی انجام شده، جایگاه زیز در دامنه کوه "دمه" در محوطه تاریخی زیزنسه دهستان زیزی شهرستان بویراحمد، واقع است. به زیر کشت‌بردن زمین‌های زیزنسه برای بهره‌گیری از تولیدات زراعی و باغی، همراه با ازبین‌بردن ساختمان‌های کهن این شهر، استفاده از مصالح سنگ و گچ آن برای ساخت خانه‌های مسکونی ناحیه زیزی و همچنین ایجاد حصارهای سنگی پیرامون مزارع این محوطه، سبب شده تا بقایای این شهر تاریخی که سندی ارزشمند از تاریخ و فرهنگ کوهگیلویه بوده است، در اثر فعالیت‌های انسانی از بین رود. به نظر می‌رسد بنایی که تقریباً در مرکز محوطه تاریخی زیزنسه و روی برجستگی به ارتفاع ۲۰ متر از سطح محوطه قرار گرفته، می‌توانسته حکم ارگ شهر را دارا بوده باشد. قلاع عاشقونه و ده برآفتاب نیز محافظت از شهر و کنترل تردد در این دره کوهستانی را بر عهده داشتند. براساس نتایج پژوهش حاضر، تاریخ حیات شهر زیز در منابع تاریخی سده‌های چهارم و پنجم هجری قمری (دوران آل بویه و سلجوقی) با شواهد باستان‌شناختی مانند سکه، کتیبه کوفی و یافته‌های سفالی گردآوری شده محوطه زیزنسه، مطابقت دارد. علاوه بر این، زیست‌بوم منطقه، وجود آب و هوای سردسیری و رودخانه دایمی زیزی (رودخانه طاب در منابع تاریخی) از دلایل انطباق این محوطه با زیز، در منابع تاریخی است. بررسی و مطالعات تاریخی حاکی از آن است کوهگیلویه و نوادگان او، به عنوان کنشگران سیاسی منطقه کوهگیلویه در سده دوم تا چهارم هجری قمری، نقش مهمی در رونق اقتصادی و سیاسی این شهر ایفا نمودند. مهم‌ترین دلیل شکل‌گیری زیز را می‌توان زیست‌بوم غنی و قرارگیری بر مسیر ارتباطی ارجان به سمیرم و اصفهان و از مهم‌ترین دلایل فروپاشی آن می‌توان به حمله اسماعیلیان نزاری سده پنجم هجری قمری به رهبری ابوحمزه کفشگر اشاره کرد.

تشکر و قدردانی: از راهنمایی‌های اساتید ارجمندم در دانشگاه هنر اصفهان جناب آقای دکتر احمد صالحی کاخکی (استاد راهنما) دکتر هاشم حسینی و دکتر ابراهیم رایگانی (اساتید محترم مشاور) و همچنین دکتر فرشید ایروانی قدیم، دکتر ناصر نوروززاده چگینی، دکتر احمد آزادی، کوروش علمداری، نوروز رجبی برای در اختیار گذاشتن تصویر کتیبه کوفی زیز، حسین درخشنده (تهیه نقشه) آرش پوردلیبر برای در اختیار قراردادن اطلاعات سکه و معاونت میراث فرهنگی اداره کل میراث فرهنگی استان کوهگیلویه و بویراحمد به جهت همکاری‌های لازم سپاسگزاری می‌نمایم.

تأییدیه اخلاقی: این مقاله مستخرج از رساله دکتری حسین سپیدنامه تحت عنوان «بررسی و مطالعه باستان‌شناختی قلاع و استحکامات کوره ارجان از صدر اسلام تا پایان دوره سلجوقی از منظر جغرافیای اداری (با تأکید بر قلاع کوه-گیلویه)» در دانشگاه هنر اصفهان است که به راهنمایی دکتر احمد صالحی کاخکی و

همجوار، به کشورهای دوردست نیز فرستاده می‌شد. تولیدات اقتصادی این منطقه مانند جاشیر، دانه محلب، بادام‌وحشی، گردو، گوشت و محصولات لبنی برای صدور مهم بودند زیرا تا هندوستان نیز فرستاده می‌شدند [Sepidnameh & Salehi kakhki, 2018]. بنابراین، از آنجا که راه‌های تجاری مهمی مانند راه ارجان به شیراز و اصفهان از این منطقه می‌گذشت، ساکنان کوهگیلویه پیوسته با ساکنان مناطق و شهرهای خوزستان، اصفهان و فارس، به مبادله کالا می‌پرداختند [Sepidnameh et al, 2016: 115]. بنابراین زیز می‌توانست از جمله مکان‌های مناسب در مسیر ارتباطی میان ارجان و اصفهان، به عنوان یک شهر خدماتی و حتی مرکزی برای تامین امنیت این راه ارتباطی ایفای نقش نماید.

فروپاشی زیز

زیز مانند دیگر شهرها در روند تطور حیات اداری و اجتماعی خویش نیز به سرنوشت دیگر شهرهای منطقه از جمله ارجان دچار شد. براساس یافته‌های سفالی و همچنین سکه به‌دست آمده، استقرار در این محوطه از سده دوم هجری دیده می‌شود، اما از دوره آل بویه تا اواسط دوره سلجوقی در اوج رونق بوده است. همان‌گونه که یکی از علل اصلی نابودی شهرهای دوره اسلامی در مقاطع مختلف، تاخت‌وتاز و تاراج توسط نیروهای متخاصم صورت گرفته است [Zarei & Noruzi, 2016: 3]. حضور نیروهای اسماعیلی مذهب در اواخر سده پنجم هجری قمری در منطقه ارجان، منجر به بی‌ثباتی در اوضاع سیاسی-اجتماعی، ناامنی‌های گسترده، ویرانی و متروکه‌شدن شهر زیز شد [Balkhi, 2007: 147] با توجه به اهمیت منطقه کوهگیلویه به لحاظ سوق‌الجیشی و اقتصادی، اسماعیلیه توجه خود را در ابتدا به این منطقه معطوف نمودند، لیکن مدت کمی توانستند بر این منطقه تسلط داشته باشند به همین دلیل آنها به ناامنی منطقه و ویرانی شهرهای آن دست زدند. اندکی پس از سقوط شاهدژ در ۵۰۰ هجری قمری، ماموریت تسخیر و تخریب موفقیت‌آمیز قلعه‌های نزاریان در حومه ارجان، بر عهده فخرالدین چاولی (۵۱۰ ه.ق.)، اتابک فارس، گذاشته شد [Hodgson, 1984: 181]. بنابراین ویرانی زیز، احتمالاً در سال‌های پایانی سده پنجم هجری قمری اتفاق افتاده است، همان‌گونه که یافته‌های سفالی سطح محوطه زیزنسه نیز، با این تاریخ انطباق دارد.

نتیجه‌گیری

منطقه کوهگیلویه در دوره اسلامی به دلیل کوهستانی‌بودن و زیست‌بوم غنی، یکی از کانون‌های کوچ‌نشینی ایران بوده است. شکل‌گیری استقرارهای کوچ‌نشینی در این منطقه و قرارگیری آنها بر مسیر راه‌های ارتباطی مهمی چون ارجان به اصفهان، سبب رشد این مراکز استقراری و تبدیل آنها به مراکز شهری چون "شهر زیز" شده است که تاریخ‌نگارانی چون مقدسی و ابن بلخی، در سده‌های چهارم و پنجم هجری، به آن اشارات گذرایی داشته‌اند. مطالعه و تحلیل منابع تاریخی، موقعیت این شهر را، در بخش سردسیری

- Moradi E (2014). Location of Marhashi on the Basis of Historical and Archaeological Data, *Archaeological studies*, 6(1):99-110.
- Mortezaei M, Farhani A (2010). An Archaeological study on the Location of the Ancient City of Veymeh or Deymeh, *Archaeological studies*. 1(2):103-120. [Persian]
- Mostofi H (1957). *Nozhat Al-Gholoub*, Compiled by Mohammad Dabir Siaghi, Tehran: Tahouri Library. [Persian]
- Orsner CE (1998). The Archaeology of the African Diaspora, *Annual Review of Anthropology*, 27:63-82.
- Rajabi N (2015). *Archaeological Findings*, Second Chapter: Exploring Madabad Region A. Marvdasht, Iran's Archeology. 9(5):175-194. [Persian]
- Schwartz P (2003), *Historical Geography of Persia*, Jahandari K, Translator. 2nd Edition. Tehran: Cultural Heritage Society. [Persian]
- Murray T (2001). *Encyclopedia of Archaeology: History and Discoveries*, Third Edition. pp. 623-630.
- Sepidnameh H, Khaledi S (2013). *Historical Geographical Kohgiluyeh and boyerahmad*. Proceeding of the First National Archaeological Conference of Iran. The University of Birjand. [Persian]
- Sepidnameh H, Salehi Kakhki A, Azadi A (2015). Investigating the external routes of Kohgiluyeh and Boyer Ahmad during the Islamic era. *Athar*. 33(59):44-64. [Persian]
- Sepidnameh H, Salehi Kakhki A, Azadi A (2016). Preliminary research on the economic aspect of Kohgiluyeh and Boyer Ahmad during Islamic era based on archaeological evidence and historical sources, *Payam e Bastanshenas*. 12(23):103-122. [Persian]
- Sepidnameh H, Salehi Kakhki A (2016). Kohgiluyeh nomadic habitats in the islamic period (case study of deliyasir), *Humanistic Researches*, Iran. 6(2):155-177. [Persian]
- Sepidnameh H, Salehi Kakhki A (2018). The Significance of Kohgiluyeh in Maritime Trade Prosperity of the Silk Road in the Islamic Period, *The third National Archaeological Conference and Conservation along the Silk Road abstracts*, Tehran: Research Institute of Cultural Heritage & Tourism, pp.122-124.
- Shahidi Marnani N, Ghayumi Bid Hendi M (2013). Cultural Historical Approach and its Feasibility and Benefits in study of the Architectur of Iran, *Cultural History studies*. 5(17):87-107. [Persian]
- Siahpour K (2013). Gilooeyh clan and their social political role in Abbasids period (2nd and 3rd centuries). *Iranian Studies*. 2(1):83-103. [Persian]
- Sumner W, Whitcomb D (1999). Islamic Settlement and Chronology in Fars: an Archaeological perspective. *Iranica Antiqua*. 34:310-324.
- Yaghmayi E (1994). Tang-e Takab Behbahan and Dezhmahtabi Caravanserai. *Cultural Heritage*. 12:236-244. [Persian]
- Hamwi Y (1995). *Mojaem al-Baladan*, Beirut: Darsader Publications. [Arabic]
- Yousefifar Sh (2010). Patterns of urbanization and urbanization in Iranian history. *Iran History*. 64(5):145-170. [Persian]
- Zarei ME, Noruzi AA (2016). The Livelihood patterns of Iran's South-western Cities in Texts of Islamic Period (10th- 15th A.D). *Historical Research*. 8(2):1-20. [Persian]

اساتید مشاور جناب آقای دکتر هاشم حسینی و دکتر ابراهیم رایگانی هم اکنون (۱۳۹۷) در حال انجام است.

تعارض منافع: موردی از سوی نویسندگان گزارش نشده است.

سهم نویسندگان: حسین سپیدنامه، تنها نویسنده مقاله است (۱۰۰٪).

منافع مالی: موردی از سوی نویسندگان گزارش نشده است.

منابع

- Alamdari K (2009). Report of the first chapter on the Ancient Studies of Northern Boyer Ahmad (Volume II), Yasouj: Kohgiluyeh and Boyerahmad Cultural Heritage, Tourism and Tourism Organization (Unpublished). [Persian]
- Azadi A (2008). Report of the first chapter of Kohgiluyeh regional archaeological research. Tehran: Archaeological Research Center (unpublished). [Persian]
- Estakhri, AIE (2018). Mamalek and Masalek, Testari M, Translator, 2nd Edition, Tehran: Sokhan publication. [Persian]
- Gaubeh H (1998). Arjan and Kohgiluyeh from Arabs, conquest to the end of the Safavid period. Farhudi S, Translator, 2nd Edition, Tehran: Printing and Publishing Organization of the National Artifacts. [Persian]
- Gharachanlou H, Rahnamaee MT, Jodaki H (2011). *Historical Geography: Alignment of time and field*, Book of the Month of History and Geography. 163:8-13. [Persian]
- Ghezalbash E, Parviz A (2013). Kombus Bonary: An Islamic Settlement in the Southern Zagros, *Archaeological studies*. 5(2):113-128. [Persian]
- Hodgson M (2001). Ismaili sect, Badrei F, Translator. Third Edition, Tehran: Amozesh-Engheleb-Eslami Publication, P; 500. [Persian]
- Hosseini Fasaei H (2003). *Naseri's Farsnameh*, Third Edition, Tehran: Amir Kabir Publication. [Persian]
- Balkhi I (2007). *Farsnameh*, First Edition, Tehran: Asatir Publication. [Persian]
- Ibn Hauqel (1966). *Sourat al-Arz*, Shoar J, Translator. Tehran, Bonyad-e Farhang-e Iran. [Persian]
- Jones M, Jones R, Woods M, Whitehead M, Dixon D, Hannah M (2004). *An introduction to political Geography: Space, place and politics*, 2nd Edition, New York: Routledge Publication.
- Karimi B (1957). *Ancient Rotes of the Old Capitals of Western Iran*, Tehran: Bank Melli Iran. [Persian]
- Khalidian S, Karimian H, Pourahmad A, Mazaherian H (2016). The Spatial Pattern of Iranian Old Cities in the Transition from the Sassanid to the Islamic Period. *Archaeological studies*. 8(2):35-52. [Persian]
- Labbaf- Khaniki M (2010). *Historical Archaeology: Principles and Capabilities*. Modares Archaeological Reaserch. 2(3):2-7. [Persian]
- Majidi, NM (2013). *History and Geography of Kohgiluyeh and BoyerAhmad*, First Edition, Tehran: Aron Publications. P; 874. [Persian]
- Moghaddasi AM (2006). *Ahsan Al-Taghasim Fi Marefat Al-Aghalim*, Monzavi AN, Translator. 2nd Edition. Tehran: Komesh Publication. [Persian]
- Mohamadifar Y (2005). *Historical Geography of the Central Zagros in the pre-Islamic period*. *Payam Bastanshenas*. 4:81-92. [Persian]